

تصمیم خطرناک یک زن برای فرار از خانه

دلم گرفته بود، از خانه بیرون زدم و بی‌آنکه فکر کنم کارم اشتباه است سوار اتوبوس شدم و...

ازدواجم عجولانه بود. دایی اصرار داشت با پسر شریکش ازدواج کنم. او حتی اجازه نداد پدرم تحقیق کند. اگر تحقیق کرده بودیم یا به مشاوره قبل از ازدواج می‌رفتیم، شاید این همه دردسر و بدبختی سرم نمی‌آمد. متأسفانه دایم فقط به خاطر اینکه موقعیت شغلی و مالی خود را تثبیت کند اصرار داشت هرچه زودتر ازدواج کنم؛ البته نمی‌خواهم زندگیم را از دست بدهم. بعد از ازدواج، در دوران عقد باردار شدم. خانواده‌ام به سرعت کمی خرت و پرت خریدند و مرا به خانه بخت فرستادند. من و شوهرم زندگی مشترک خود را در زیرزمین کوچک خانه پدر شوهرم آغاز کردیم.

خانه‌ای که رفت و آمد وقت و بی‌وقت دو جاری و خواهرشوهرم و بچه‌های آنها در آن آرامش را برهم میزد. سر همین مسائل و با توجه به دخالت‌های دیگران در زندگیم، با شوهرم اختلاف پیدا کردم. بگو مگوهای ما به گوش اطرافیان هم رسید. مادرم می‌خواست از من حمایت کند و از طرفی خانواده شوهرم دوآتیشه از او حمایت می‌کردند. با این وضعیت و لج بازی‌های من فاصله عاطفی ما روز به روز بیشتر شد. هر موقع جرو بحث‌مان می‌شد شوهرم از کوره درمی‌رفت و از خانه بیرون می‌زد. می‌دانستم خانه دوستش می‌رود و جای دیگری ندارد.

وقتی فهمیدم چه بلایی سر زندگیم آمده است که خیلی دیر شده بود. شوهرم مواد مخدر مصرف می‌کرد و من نمی‌توانستم جلوی این کارش را بگیرم. این اواخر حالش خیلی بد شده بود، کتکم می‌زد و اعصاب و روانم را به بازی می‌گرفت. تحمل چنین شرایطی را نداشتم، عذاب می‌کشیدم و نمی‌توانستم حرفی بزنم. نقشه **احمقانه‌ای به سرم زد**. از خانه بیرون زدم و با اتوبوس به مشهد آمدم. در ترمینال دچار دلتنگی و ترس و وحشت شدم. کمی پیاده‌روی کردم. نمی‌دانستم کجا بروم. آدرس کلانتری را گرفتم و از پلیس کمک خواستم.

شوهرم زنگ زد و قرار است با پدر و مادرم دنبالم بیایند. آنها نگرانم شده‌اند و مادرم می‌گوید به فکر خودت نیستی به فکر بچه‌ای باش که بزودی دنیا می‌آید و باید سایه پدر و مادر روی سرش باشد.

«صالح محمدپور» دانش آموخته دانشگاه علوم و تحقیقات و عضو انجمن روانشناسی ایران در این باره می‌گوید؛ پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: بعد از مشورت، هرگز کسی گمراه نخواهد شد و به بیراهه نخواهد رفت. پس مشورت گرفتن آنقدر اهمیت دارد که حضرت می‌فرمایند اگر مشورت نکنی به بیراهه خواهی رفت.

ماجرای دقیقاً همین است که با یک مشاوره پیش از ازدواج از بروز این اتفاقات جلوگیری می‌شود. اما نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم اینکه مشاوره پیش از ازدواج تضمینی بر درست بودن و بی‌مشکل ماندن ازدواج نمی‌شود.

این مرد و زن هستند که با بررسی نیازها، ملاک‌ها و هدف‌های خود از یکدیگر در کنار کمک‌های مشاور، پیش از ازدواج می‌توانند انتخابی بهتر و تصمیمی قطعی برای ازدواجی درست و منطقی بگیرند.

زوجین وقتی بعد از ازدواج با مشکلات این چنینی روبه رو می‌شوند بهترین راه، ابتدا دریافت راه حل و در صورتی که نتیجه‌ای مناسب حاصل نشد از یک مشاور کمک بگیرند. نه اینکه فرار کرده و حل و فصل مشکلات را به قفل و بند تبدیل کنند.

این مدرس دانشگاه افزود: وقتی از خانواده‌تان کمک می‌گیرید حواستان باشد این مرحله بعد از آن است که شما نتوانسته باشید مشکلات‌تان را با هم حل کنید و اجازه ندهید خانواده از شما حمایت بی‌حد و حصر کنند؛ پس لازم است با خانواده خود و همسران صحبت کنید آن هم با یک نفر، نه همه اهل خانواده.

در این ماجرا می‌بینیم زن و شوهر اشتباهاتی کرده‌اند که کارشان را با مشکلات بیشتری مواجه ساخته و حل آن را سخت کرده است.

وی تأکید کرد: خانم‌ها و آقایان جوان حواستان باشد تا وقتی شما به دیگران چیزی نگویید دیگران در زندگی‌تان دخالت نکرده و فرصتی برای دخالت‌های بی‌جا و مخرب پیدا نخواهند کرد.

نویسنده: غلامرضا تدینی راد - خراسان رضوی